



تجلی عرفان عاشقانه در آیینۀ شعر جلال‌الدین محمد مولوی

۱. سیده هانیه موسوی نصر ۲. مریم محمدی

۱. کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

۲. کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

چکیده

مولانا جلال‌الدین، زاهدی برجسته و شریعتمداری عالی قدر بود که به واسطه حمایت‌های معنوی پدرش، بهاء ولد در دوران جوانی به درجه اجتهاد رسید و مسند فتوی را از پدر به ارث برد. ظهور و حضور شمس تبریزی در زندگی مولانا، تولدی دیگر بود و این ملاقات و آشنایی دگرگونی اندیشه‌های علمی و مذهبی مولانا را در پی داشت. دیدگاه مذهبی مولانا پس از دیدار با شمس تبریزی کاملاً دگرگون شد بدین گونه که او، فضای درس و مجلس و عطر را رها کرده و از دید همه پنهان شد مطابق با آنچه شمس از او خواست و به تهذیب و تزکیه نفس پرداخت. جهان بینی نوین مولانا که حاصل برخورد با شمس تبریزی و برخورداری از کرامات او بود، دامنه تخیل ادبی و آفاق اندیشه عرفانی او را چنان گسترش بخشید که ازل و ابد را به هم پیوند داد و از آن پس، زیبایی را در عظمت و بی‌کرانگی می‌جست. تصاویر ممتاز شعری او مفاهیمی از قبیل مرگ، زندگی، رستاخیز، ازل، ابد، دریا، کوه و برتر از همه پدیده‌های هستی، و عشق بود. اگرهم عناصر تصویر را از شاعران دیگر به وام گرفت، بار عاطفی این تصاویر که از جهان بینی و دید او نسبت به هستی ناشی می‌شد، معنایی تازه می‌یافت. یکی از سرمشق‌ها و الگوهای تفکر مولانا، کتاب ارجمند مقالات شمس بود. و نگرش عرفان عاشقانه او بیانگر تأثیر اندیشه شمس پس از آن دیدار رازناک و آن خلوت‌های سر به مهر بود. نتیجه آن ملاقات پیش‌بینی نشده و سرنوشت او چنان رقم خورد که مولانا با دگرگونی اساسی در زندگی خود، شریعت را به عنوان نردبانی برای عروج از مسیر طریقت تا رسیدن به حقیقت قرار داد.

واژگان کلیدی: مولانا جلال‌الدین، دیوان شمس، مثنوی، شمس تبریزی، عرفان، عشق.